

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى

موضوع:

۱. احکام؛ حج، عمره و زیارت
۲. احکام؛ نماز؛ نماز مسافر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: عاطفه وفا

تاریخ: ۱۳۹۷/۵/۲۱

در صورت امکان، موارد اختلافی بین مذاهب در واجبات و محرمات حج را بفرمایید. همچنین، بفرمایید که آیا نماز در مسجد الحرام شکسته است یا کامل؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۷/۵/۲۴

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. موارد اختلافی میان مذاهب اسلامی درباره‌ی احکام حج بسیار است و إحصاء همه‌ی آن‌ها از حوصله‌ی این پاسخ بیرون است، ولی می‌توان از باب نمونه به چند مورد از آن‌ها اشاره کرد:

۱. استطاعت حج

شرط وجوب حجّ، وجود استطاعت برای آن است؛ چراکه خداوند فرموده است: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾؛ «و برای خداوند بر عهده‌ی مردم حجّ خانه است هر کس که استطاعت راه یافتن به آن را دارد»، ولی درباره‌ی ماهیت استطاعت برای آن میان مذاهب اسلامی اختلاف است؛ به این ترتیب که کسانی از شیعه و شافعیّه بقاء مال یا پشتوانه‌ی کافی برای گذران زندگی پس از بازگشتن از حج را در تحقق استطاعت حج شرط دانسته‌اند، ولی دیگران از چنین شرطی یاد نکرده‌اند و وجود زاد و راحله (ره‌توشه و وسیله‌ی نقلیه) را برای تحقق استطاعت حج کافی دانسته‌اند؛ زیرا کسی که از این دو برخوردار است «استطاعت راه یافتن به آن را دارد» و تبعاً به موجب آیه مکلف به حجّ است، اگرچه مال یا پشتوانه‌ی کافی برای گذران زندگی پس از بازگشتن از حج را نداشته باشد، ولی حق آن است که بقاء مال یا پشتوانه‌ی کافی برای گذران زندگی پس از بازگشتن از حج، به موجب آیه‌ی دیگری شرط است؛ آیه‌ای که می‌فرماید:

۱. آل عمران / ۹۷

﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾^۱؛ «و در راه خداوند هزینه کنید ولی خودتان را با دستانتان به هلاکت نیندازید» و با این وصف، جایز نیست که انسان هر چه دارد را برای حج بدهد، به نحوی که مال یا پشتوانه‌ی کافی برای گذران زندگی خود و افراد واجب‌النفقه‌اش باقی نماند و در تنگنا بیفتد؛ چراکه خداوند فرموده است: ﴿مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ﴾^۲؛ «خداوند نمی‌خواهد که بر شما تنگنایی قرار دهد».

۲. إحرام قبل از میقات

درباره‌ی إحرام قبل از میقات میان مذاهب اسلامی اختلاف است؛ به این ترتیب که شیعه آن را جایز ندانسته است و مالکیه و شافعیه آن را مکروه دانسته‌اند و حنفیه آن را افضل دانسته است و تردیدی نیست که نظر شیعه به احتیاط نزدیک‌تر است؛ زیرا درباره‌ی انعقاد إحرام در میقات میان مذاهب اسلامی اختلافی نیست، ولی درباره‌ی انعقاد آن قبل از میقات میان آن‌ها اختلاف است و با این وصف، هر کس در میقات إحرام بندد، به قدر متیقن أخذ کرده؛ خصوصاً با توجه به اینکه مسلم است پیامبر قبل از میقات إحرام نبسته است.

۳. وقوف در مشعر الحرام

درباره‌ی وقوف در مشعر الحرام میان مذاهب اسلامی اختلاف است؛ به این ترتیب که شیعه آن را رکنی از ارکان حج دانسته؛ به دلیل سخن خداوند که فرموده است: ﴿فَإِذَا أَفْضُتُمْ مِنْ عَرَافَاتٍ فَأَدْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ﴾^۳؛ «پس چون از عرفات بازگشتید خداوند را نزد مشعر الحرام یاد کنید» و به دلیل روایاتی از اهل بیت که نرسیدن به مشعر الحرام را مبطل حج دانسته‌اند^۴، ولی سایر مذاهب اسلامی آن را مستحب یا حدّاکثر واجب دانسته‌اند؛ چراکه خداوند به وقوف در مشعر الحرام امر نکرده، بلکه به ذکر خود در آن امر کرده و آن بدون وقوف نیز ممکن است و با این وصف، اگر کسی پس از بازگشتن از عرفات خداوند را در مشعر الحرام یاد کرده باشد، حجّ او صحیح است، اگرچه در آن وقوف نکرده باشد و این به حق نزدیک‌تر است و روایاتی از اهل بیت نیز آن را تأیید می‌کنند و با این وصف، می‌توان گفت که آنچه رکن حج محسوب می‌شود، یاد کردن خداوند در مشعر الحرام است و وقوف در آن سنت محسوب می‌شود و این عکس پندار شیعه است؛ زیرا شیعه می‌پندارد که وقوف در مشعر الحرام رکن حج و یاد کردن خداوند در آن سنت است، در حالی که خداوند صریحاً به یاد کردن خود در آن امر کرده است، نه به وقوف در آن و یاد کردن او در آن می‌تواند با نماز مغرب یا عشاء یا صبح در آن پس از بازگشتن از عرفات یا حتی با دعا در حین عبور از آن به سوی منا انجام شود؛

۱. البقرة / ۱۹۵

۲. المائدة / ۶

۳. البقرة / ۱۹۸

۴. بنگرید به: الکافی للکلینی، ج ۴، ص ۴۷۶؛ من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۲، ص ۳۸۶؛ الإستبصار للطوسی، ج ۲، ص ۳۰۳.

چنانکه در روایت عروة بن مضرس طائی آمده است: «أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِالْمَوْقِفِ -بِعْنِي بِجَمْعٍ- فَقُلْتُ: جِئْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ جَبَلِ طِيٍّ، أَكَلْتُ مَطِيئِي وَأَتَعَبْتُ نَفْسِي، وَاللَّهِ مَا تَرَكْتُ مِنْ جَبَلٍ إِلَّا وَقَفْتُ عَلَيْهِ، فَهَلْ لِي مِنْ حَجٍّ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ أَدْرَكَ مَعَنَا هَذِهِ الصَّلَاةَ وَأَتَى عَرَفَاتٍ قَبْلَ ذَلِكَ لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَقَدْ تَمَّ حَجُّهُ وَقَصَى تَفَثَهُ»؛ «در موقف -یعنی جمع (مشعر الحرام)- به نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رسیدم، پس گفتم: از کوه طیء آمدم ای رسول خدا! مرکبم را خسته کردم و خودم را به سختی انداختم و به خدا سوگند هیچ کوهی را نگذاشتم مگر اینکه بر آن وقوف کردم! پس آیا برای من حجی هست؟! پس رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر کس با ما به این نماز رسیده و پیش از آن در شب یا روز به عرفات آمده، حجش کامل شده و آلودگی اش را پاک کرده است» و در روایت محمد بن حکیم آمده است: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّجُلُ الْأَعْجَمِيُّ وَالْمَرْأَةُ الضَّعِيفَةُ يَكُونَانِ مَعَ الْجَمَّالِ الْأَعْرَابِيِّ، فَإِذَا أَفَاضَ بِهِمْ مِنْ عَرَفَاتٍ مَرَّ بِهِمْ كَمَا مَرَّ بِهِمْ إِلَى مِنَى وَلَمْ يَنْزِلْ بِهِمْ جَمْعًا، فَقَالَ: أَلَيْسَ قَدْ صَلَّوْا بِهَا فَقَدْ أُجْرَأَهُمْ قُلْتُ: وَإِنْ لَمْ يُصَلُّوا بِهَا؟ قَالَ: ذَكَرُوا اللَّهَ فِيهَا فَإِنْ كَانُوا ذَكَرُوا اللَّهَ فِيهَا فَقَدْ أُجْرَأَهُمْ»؛ «به ابو عبد الله (امام جعفر صادق) علیه السلام گفتم: مرد غیر عرب و زن ناتوان به همراه شتربان اعرابی هستند، پس چون آنان را از عرفات بر می گرداند یکسره به منا می برد و در جمع (یعنی مشعر الحرام) فرود نمی آورد، پس فرمود: آیا نه این است که در آن نماز گزارده اند؟ پس آنان را کفایت کرده است، گفتم: اگر در آن نماز نگزارده باشند؟ فرمود: خداوند را در آن یاد کرده اند، پس اگر خداوند را در آن یاد کرده باشند، آنان را کفایت کرده است».

۴. فوت شدن وقوف در عرفات

شیعه با استناد به خبری واحد از اهل بیت معتقد است که اگر کسی پیش از بازگشتن مردم به عرفات نرسد، ولی به مشعر الحرام برسد، برای او کافی است و حج او صحیح است، ولی سایر مذاهب اسلامی چنین نظری ندارند و حق با آنهاست؛ چراکه خداوند یاد کردن خود در مشعر الحرام را بعد از بازگشتن از عرفات واجب کرده و این به معنای آن است که بودن در عرفات پیش از یاد کردن او در مشعر الحرام واجب است، بلکه رکن محسوب می شود؛ خصوصاً با توجه به روایت مشهور از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که فرمود: «الْحَجُّ عَرَفَةٌ»؛ «حج عرفه است».

۵. طواف دوم

درباره ی طواف دوم پس از طواف زیارت، میان مذاهب اسلامی اختلاف است؛ به این ترتیب که شیعه آن را با نام «طواف نساء» واجب و موجب حلال شدن زنان بر شوهرانشان دانسته و حنفیه

۱. مسند أحمد، ج ۴، ص ۲۶۱؛ سنن أبي داود، ج ۱، ص ۴۳۶

۲. الکافی للکلینی، ج ۴، ص ۴۷۲؛ من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۲، ص ۴۷۰؛ الإستبصار للطوسی، ج ۲، ص ۳۰۶

۳. مسند أحمد، ج ۴، ص ۳۰۹؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۰۳؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۸۸؛ سنن النسائی، ج ۵، ص ۲۵۶

آن را با نام «طواف صدر» واجب، ولی طواف زیارت را برای حلال شدن زنان بر شوهرانشان کافی دانسته و یکی از دو قول شافعی نیز مانند قول حنفیه است و دیگران آن را واجب ندانسته‌اند. تفصیل این مسأله، در پرسش و پاسخ ۱۷۳ آمده است.

ب. بنا بر روایات متواتر اسلامی، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نماز خود را در مکه به قصر خواند و پس از او، ابو بکر نیز نماز خود را در مکه به قصر خواند و پس از او، عمر نیز نماز خود را در مکه به قصر خواند و پس از او، عثمان نیز نماز خود را در مکه به قصر خواند، تا آنکه پس از مدتی این کار را ترک کرد و نماز خود را در مکه کامل خواند و از این رو، مورد اعتراض شدید صحابه قرار گرفت^۱ و یکی از کسانی که به این سبب بر او اعتراض کردند علی بن ابی طالب بود^۲. با این وصف، نمی‌توان کامل خواندن نماز در مکه برای مسافر را سنت دانست، اگرچه روایاتی متعارض از اهل بیت درباره‌ی جواز آن رسیده است^۳.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوم‌ها شیخ خراسانی
 دفتر مجتبیٰ با حکم کتبی از مقامات عالی‌رتبه



۱. بنگرید به: مسند ابي داود الطيالسي، ص ۱۱۵؛ مسند الشافعي، ص ۵۶؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۲، ص ۵۱۶؛ مسند أحمد، ج ۱، ص ۳۷۸ و ج ۲، ص ۱۶ و ۱۴۰ و ج ۳، ص ۱۴۴ و ج ۴، ص ۴۳۰؛ سنن الدارمي، ج ۱، ص ۳۵۴؛ صحيح البخاري، ج ۲، ص ۳۵؛ صحيح مسلم، ج ۲، ص ۱۴۶؛ سنن ابي داود، ج ۱، ص ۴۳۸؛ سنن الترمذي، ج ۲، ص ۱۸۳؛ سنن النسائي، ج ۳، ص ۱۲۰.
۲. بنگرید به: تاريخ الطبري، ج ۳، ص ۳۲۲؛ المحلى لابن حزم، ج ۴، ص ۲۷۰.
۳. بنگرید به: الإستبصار للطوسي، ج ۲، ص ۳۳۱.